

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
برگردان از: حمید محوی
۱۶ مارچ ۲۰۱۴

اوکراین، فلسطین، سوریه جان کری بدون سیاست، ولی با تاکتیک (ایران در خطر تروریستی غرب)

در جهان جهانی شده، هر منازعه ای در پیوند تنگاتنگ با منازعات دیگر قابل درک خواهد بود. آنچه امروز در اوکراین به وقوع پیوسته از مناطق دیگری سر برمی آورد. از دیدگاه تی پری میسان، رجزخوانی های واشینگتن برای جنگ علیه مسکو نیست، بلکه بر آن است تا اروپائی هائی را وادار سازد تا به نفع واشینگتن از منافع خودشان چشم پوشی کنند. به همین گونه، ترک روند گفت و گوهای ژنیو می تواند به عنوان بی اعتنائی به منافع سعودی ها و تمرکز روی حل مسأله فلسطین تلقی شود.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | ۱۴ مارچ ۲۰۱۴

وزیر امور خارجه جان کری (در این تصویر او را هنگام توقف در رم می بینیم) سیاست از پیش تعیین شده ای ندارد. او در هر موردی در پی کسب پیروزی قطعی نیست بلکه به شکلی عمل می کند تا فرصت هائی را برای پیش بردن مهره هایش فراهم سازد. بر این اساس، پس از پشتیبانی از کودتای سی آی ای (سیا) در اوکراین، امروز نه برای آینده کریمه بلکه به شکلی عمل می کند که بتواند در سطح اقتصاد جهانی برای شکست سیاسی محلی خود بهره برداری کند.

سه رویداد صحنه بین المللی را دچار اغتشاش کرد: از یک سو در رابطه با اوکراین غربی ها را در مقابل روسیه قرار داد، از سوی دیگر، دولت های خلیج فارس به شکل مخفیانه علیه یک دیگر اعلام جنگ کردند، و سرانجام تصویب قانون انتخاباتی جدید توسط شورای مردم سوریه که مبنی بر آن عملاً نامزدی شهروندانی که طی جنگ کشور را ترک کرده اند پذیرفته نخواهد شد.

ایالات متحده رویداد چهارمی نیز - «انقلاب رنگی» - در ونزویلا تدارک دیده بود، ولی مخالفان - پنتاگونی - نتوانستند توده های مردم را با خود همراه سازند. در نتیجه واشینگتن این کارت را باید بعداً به کار ببندد.

واشینگتن می خواهد شکست خود را در اوکراین به پیروز اقتصادی تبدیل سازد

غربی ها بحران اوکراین را تدارک دیده و به اجراء گذاشتند، و سپس به شکل کودتا در چشم انداز خشونت های میدانی و خیابانی از طریق تلویزیونی به نمایش گذاشته شد. روسیه با مهارت و با الهام از ستراتیژی سون تسو (ستراتژیست عهد باستان چین) پاسخ گفت، به این معنا که بدون مبارزه کریمه را گرفت و مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور را برای حریفان باقی گذاشت. با وجود رجز خوانی های گستاخانه بروکسل و واشینگتن، غربی ها در دور دوم بازی نخواهند کرد و روسیه را به شکل معنی دار به تحریم اقتصادی محکوم نخواهند کرد: زیرا اتحادیه اروپا ۷ درصد از تولیداتش را به روسیه صادر می کند (۱۲۳ میلیارد یورو در اشکال ماشین آلات، ابزار، اتوموبیل، تولیدات کیمیائی...) و ۱۲ درصد از تولیدات روسیه را وارد می کند (۲۱۵ میلیارد یورو به طور کلی هیدروکربور). انگلستان، المان، ایتالیا، هالند، لهستان و فرانسه به ویژه تحت تأثیر این مبادلات هستند. مرکز تجاری لندن به شکل گسترده توسط دارائی های روسیه سرمایه گذاری شده، و همانگونه که اطلاعیه داخلی دان استریت نشان داده و توسط نشریه بریتانیائی عکس برداری شده، در حال تبخیر به سر می برد. شرکت هائی مانند بریتیش پترولیوم، شل، شرکت انی، فولکسواگن، کننینتال، زیمنس، دویچ تله کوم، ریفسن، یونی کردی - و حیلی های دیگر - سقوط خواهند کرد. در ایالات متحده، وضعیت بهتر است، ولی برخی از شرکت های چند ملیتی مثل دومین شرکت تجاری کشور، اکسون، در روسیه به شکل شایان توجهی سرمایه گذاری کرده اند.

در هر صورت، واشینگتن روش خیلی سرسختانه ای را در پیش گرفته است که مجبور به واکنش خواهد شد. همه رویدادها به شکلی صورت گرفت که گویی کودتا توسط افراطی های رژیم تدارک دیده شده بوده (ویکتوریا نولاند، جان مک کین...) و ابتداء رئیس جمهور اوباما را با مشکل روبه رو ساخت، ولی وضعیت جدید به او اجازه می داد که برای حل بحران اقتصادی به بهای متضرر ساختن هم پیمانانش از فرصت غیر قابل تصویری استفاده کند: اغتشاشات اوکراین، اگر در سطح اقتصادی و سیاسی به اروپا سرایت کند، بازتاب آن سرازیر شدن سرمایه های موجود در قاره اروپا به وال استریت خواهد بود. به عبارت دیگر موضوع چنین است که هم زمان نظریه ولفوویچ در سال ۱۹۹۲ (جلوگیری کردن از اتحادیه اروپا که به رقیب ایالات متحده تبدیل نشود) و نظریه کریستینا رومر سال ۲۰۰۹ را به کار خواهند برد (یعنی نجات اقتصاد ایالات متحده از طریق جذب سرمایه های اروپائی، مانند آنچه طی بحران ۱۹۲۹ روی داد). به همین علت باید منتظر توقف مناسبات دیپلماتیک بین واشینگتن و مسکو باشیم، دست کم به شکل ظاهری، و فشار قوی روی اروپای سال ۲۰۱۴.

در چنین شرایطی نمی دانیم چگونه صلح عمومی در خاور نزدیک می تواند به توافق برسد، در حالی که هر مهره شطرنج در جای خود قرار گرفته بود. از این پس، طرح ژنیو ۳ برای سوریه بی آن که تاریخی برای آن تعیین شده باشد متوقف شده است. از سوی دیگر «صلح» اسرائیل- فلسطین توسط اتحادیه عرب که با بازشناسی اسرائیل به عنوان «دولت یهودی» مخالفت می ورزد - در حال حاضر - متوقف شده است.

دولت های خلیج در مورد اخوان المسلمین به جان یک دیگر افتاده اند

عنصر تازه دیگر: جنگ مخفیانه ای است که بین دولت های خلیج (فارس) به راه افتاده. قطر طی ماه نومبر (۲۰۱۳) از کودتای اخوان المسلمین در امارات پشتیبانی کرد. امارات، عربستان سعودی و بحرین مناسبات دیپلماتیک خود را با قطر به حالت تعلیق درآورده و علاوه بر این سعودی ها یک حمله تروریستی در دوحه را هدایت کردند. به نظر نمی رسد که قطر بخواهد دست از حمایت اخوان المسلمین بردارد که واشینگتن تا پیش از آن که رهپیشان کند، برای پیروزی آنها «بهار عرب» را سازماندهی کرده بود.

سیاست دولت های خلیج (فارس) به یک ساک انباشته گره تبدیل شده، به این علت که رژیم های سلطنتی نمایش روحی منافع دولتی را با بلند پروازی های شخصی و سلیقه و ظرافت های دنیویشان مخلوط می کنند. لعن و نفرین هائی که بین خدمتگذار دو مسجد مقدس و رهبر انقلاب ایران رد و بدل می شد به فراموشی سپرده شده و امروز برای آشتی گفت و گو می کنند، منازعه امروز روی محور اخوان المسلمین می گردد، و باید دانست که این جریان به عنوان یک جریان ایدئولوژیک مطرح نبوده و تنها به عنوان یک کارت به بازی گرفته شده است.

سوریه دیگر نمی خواهد با سعودی ها درباره صلح گفت و گو کند

سومین عنصر تازه، اعلام تلویزیونی تصویب قانونی بود که توسط شورای مردم (پارلمان) در مورد قانون انتخابات آینده سوریه به تصویب رسید. نمایندگان ماده ای را به تصویب رساندند که مبنی بر آن کاندیداهائی انتخابات ریاست جمهوری باید طی ده سال گذشته در سوریه زندگی کرده باشند. این قانون جدید عملاً شهروندانی را که طی دوران جنگ از سوریه گریخته بودند، حذف می کند.

فرستاده ویژه نمایندگان اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد، اخضر ابراهیمی فوراً واکنش نشان داد و اعلام کرد که چنین انتخابی به توقف روند گفت و گو برای صلح خواهد انجامید.

فرانسه طرحی را برای تداوم گفت و گوهای ژنو به شورای امنیت فرستاد. اگر چه در آن اشاره ای به قانون انتخاباتی جدید نشده است. اینگونه به نظر می رسد که این بار غرب آخرین تلاش خود را به کار می بندد تا جنگ در سوریه را به عنوان «انقلاب» بازشناسی کرده و صلح را نیز به عنوان توافقی بین دمشق و مخالفان مصنوعی تلقی کند که در واقع کاملاً ساخته و پرداخته عربستان سعودی هستند.

سخنگوی پیشین شورای ملی سوریه، بسمه قزمانی که در سفارتخانه سعودی تربیت شده، اطمینان داده است که «رژیم دمشق» در وضعیتی نیست که بتواند انتخابات ریاست جمهوری برگزار کند و بر این باور است که این شکست برای رژیم در حال جنگ به معنای دیکتاتور بودن آن است. بر این اساس، ناتو می تواند دوباره جلوی صحنه حاضر شود و به همان شکلی که سال ۲۰۰۳ طراحی شده بود، علی رغم فرصت های از دست رفته مانند «کشتار» ۲۰۱۱ و «بیماران کیمیائی» سال ۲۰۱۳، به کار بشار اسد خاتمه دهد. با این وجود، پس از آشتی با ریاض، برگزاری ژنیو ۲ به دلخواه خودش، و اشینگتن دوباره نسبت به همکاران سوری برگزیده شده توسط سعودی ها بی اعتنائی نشان می دهد.

اگر ژنیو ۳ وجود نداشته باشد، غرب یا باید به سوریه حمله کند (کاری که ممکن نیست، به همانگونه که تصرف کریمه ممکن نبود و آزمون آن را در همین تابستان دیدیم)، و یا وضعیت را به همین شکلی که هست رها خواهد کرد تا ده سال دیگر ادامه یابد، و یا باز هم ممکن است غرب مدعی شود که «انقلاب» توسط جهاد طلبان ربوده شده و از این پس موضوع ضد تروریسم و منافع بین المللی و جهانی مطرح خواهد بود.

در مورد جان کری نیز باید دانست که او پیش از آن که دیپلمات باشد یک تاجر است، سیاست از پیش تعیین شده نداشته بلکه با تاکتیک پیش می رود. مثل همیشه، و اشینگتن راه حلی را ترجیحاً نسبت به راه حل های دیگر انتخاب نخواهد کرد، بلکه تمام امکانات خود را به کار خواهد برد تا نتیجه به نفع او تمام شود، و در عین حال برای روز مبادا گزینش های دیگر را نیز پی گیری می کند. اگر نمی تواند با روسیه گفت و گو کند، این کار را با متحدان نظامی سوریه، یعنی ایران انجام خواهد داد. از یک سال پیش وزارت امور خارجه با جمهوری اسلامی ایران گفت و گو می کند، ابتداء به شکل سرّی در عمان، سپس به شکل رسمی با رئیس جمهور جدید روحانی. ولی این روند به مقاومت مدافعان خمینی تصادم کرده است که آنها می گویند ما با امپریالیست ها گفت و گو نمی کنیم، ما علیه امپریالیست ها تا پای مرگ می

جنگیم. با توجه به تضاد درونی ایرانیان، واشینگتن پیش روی ها و عقب نشینی هایش را افزایش داده تا نسبت به آنچه پیش از این پیشبینی کرده بود با شتاب کمتری گفت و گوهایش را به پیش ببرد.

اگر برای ایالات متحده در حل مسأله سوریه فوریتی وجود ندارد، به عکس تضمین تداوم تصرفات اسرائیلی در سرزمین فلسطین امری حیاتی به نظر می رسد. در این مورد، ایران در وزارت امور خارجه یادآور شد: که بر اساس دستور او، جهاد اسلامی ناگهان مرز اسرائیل را بمباران کرد. تهران که از ژنیو ۲ حذف شده بود، به شکل بسیار اساسی تری برای گفت و گوهای منطقه ئی دعوت شد. در چنین وضعیتی، سنای ایالات متحده در ده روز آینده جلسه ای پیرامون موضوع «سوریه پس از ژنیو» برگزار خواهد کرد. از روی ترکیب طرح موضوع می توانیم حدس بزنیم که باید تداوم «گفت و گوی صلح» را به فراموشی بسپاریم. سناتورهای، کارشناسان اتاق فکری اسرائیل در واشینگتن را خلاف عادت همیشگی، وقتی موضوعی به خاور نزدیک مرتبط می شود، فرا خوانده اند و پای صحبت آنها نخواهند نشست، بلکه این بار مسؤولان پرونده وزارت امور خارجه را دعوت کرده اند، یعنی بهترین کارشناسان ستراتیژی جنگ چریکی، و یکی از کارشناسان اصلی و متخصص ایران.

به طور مشخص، «صلح» منطقه، اگر چنین امری ممکن باشد، آمیخته به تخیلات جان کری خواهد بود: یعنی فداکردن خلق فلسطین به جای تصرفات یهودی. حسن نصرالله علیه این بی عدالتی اخطار داده است، ولی چه کسانی مخالفت خواهند کرد در حالی که رهبران اصلی فلسطینی راه خیانت را در پیش گرفته اند؟

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۵ مارچ ۲۰۱۴